

عنوان:

موضوع: نفوذ موریانه‌وار برای فروریختن پایه‌های نظام از درون

انگیزه سازی

در شهر مسجد سلیمان شخصی زندگی می‌کرد که بنام آیت الله سید جیکاک که کرامات عجیب و غریبی داشت. مثلاً گیوه‌هایش را با یک اشاره عصا جفت می‌کرد یا عصایی که وقتی آن را به بدن کسی می‌زد به آن شوک عجیبی منتقل می‌شد! آیت الله سید جیکاک مدعی بود عصای او بهترین وسیله برای تشخیص حلال‌زاده بودن افراد است. یا در مجلسی او حاضران را دروغگو معرفی کرد و هنگامی که قرار بر اثبات شد، کبریتی روشن کرد و گفت: هر کس راست بگوید، این کبریت ریشش را نمی‌سوزاند! اول کبریت را به ریش خود گرفت که نسوخت سپس ریش تمام افرادی که حاضر در جلسه بودند را سوزاند! به آنها قبولاند که دروغ گفته‌اند.

کرامت عجیب بعدی سیدجیکاک این بود که مجلس وعظ و منبر برپا می‌کرد و آخرش هم روضه امام حسین (علیه السلام) می‌خواند و وسط روضه موقعی که همه داغ می‌شدند ناگهان عمامه خود را به درون آتشی که وسط مجلس بود، می‌انداخت. عمامه نمی‌سوخت! و جیکاک آن را به‌عنوان معجزه خود بیان می‌کرد و ادعای سید بودن می‌کرد! هیچ‌کس را هم به سیدی قبول نداشت چون عمامه آنها در آتش می‌سوخت! از اینجا بود که او به «سید جیکاک» معروف شد! روزی به مسجد می‌آید و می‌گوید: من حضرت علی (علیه السلام) را در خواب دیدم و او دستش را بر شانه‌ام نهاد و به من فرمود: «به مردم بگو از این ماده سیاه و نجس (نفت) دوری کنند!» برای اثبات ادعایش پیراهن و عبایش را کنار می‌زند و اثر سفیدی دستی روی شانه‌اش را نشان می‌دهد و می‌گوید "این مدرکی بر حقانیت من از اوست".

اما سید جیکاک که بود؟

«مستر جیکاک» مامور سازمان اطلاعاتی «انتلیجنت سرویس» انگلیس بود که سالها در مناطق جنوبی کشور به جاسوسی و اجرای برنامه های دولت متبوعش اقدام نمود. سالها زیر نظر «آندروود» که با اسامی «ماژور آندروود» و «کُئِل آندروود» معروف است، آموزش دیده و تجربه کافی کسب نمود. آندروود چهره‌ی مرموز و سیاسی بود که مدتی ریاست بندر بصره را به عهده داشت و با قدرت عجیبی منطقه شط‌العرب را اداره می‌کرد.

چند سال بعد با درجه کُئِلی^۱ ریاست اداره اطلاعات شرکت نفت انگلیس و ایران را عهده دارگردید و مدتی نیز در تهران در کسوت تاجر فعالیتهای جاسوسی انگلیس را سازماندهی می‌کرد.

جیکاک به مدت هفت سال به عنوان شخصی کرولال در مسجد سلیمان چوپانی کرد و در این فرصت توانست با گویش، فرهنگ، باورها و اعتقادات بختیاری ها کاملاً آشنا شود. جیکاک بعد از آن نیز اغلب اوقات خود را در میان عشایر بختیاری می‌گذراند و با توجه به استعداد خارق العاده خود در یادگیری زبان در مدت بسیار کوتاهی توانست زبان فارسی و از آن مهم تر گویش بختیاری را همچون زبان مادری خود یاد بگیرد. به حدی که تشخیص او از غیر بختیاری ها بسیار مشکل بود. خصوصاً اینکه با شگرد های خاص تفاوت ظاهری خود را نیز بوسیله گریم های مداوم با چهره بختیاری ها به حداقل می رساند و البته چنانچه حکایت می کنند آنقدر بر زبان و گویش و تاریخ و فرهنگ بختیاری مسلط بود که چنانچه کسی نیز می خواست از ظاهر او به خارجی بودنش مشکوک شود با صحبت کردن و روبرو شدن با اطلاعات او یقین پیدا می کردند که وی بختیاری است.

مدت ها بعد در دفتر خاطرات سید جیکاک فاش شد که:

"آهنرباهایی در گیوه‌هایم قرار داده بودم، که با اشاره عصا، گیوه‌ها جفت می‌شدند!" و در عصای معجزه‌آسای مستر جیکاک جز یک پیل خشک الکتریکی و یک مدار ضعیف انتقال برق هیچ چیز وجود نداشته و جریان ضعیف برق باعث انتقال شوک الکتریکی به افراد نگون‌بختی

۱. صاحب منصبی که بر یک هنگ فرماندهی کند، «سرهنگ». سایت: www.abadis.ir

می‌شده که مستر جیکاک هنگام تماس عصا با آنها، دکمه وصل جریان را فشار می‌داده! و آنجایی که کبریت می‌زده به ریش هایش و عمامه اش را در آتش می‌انداخته و آتش نمی‌گرفته چون ریش او مصنوعی و نسوز بوده، و عمامه اش هم نسوز بوده. در کتابش تشریح می‌کند که "روزی تکه‌ای کاغذ را به شکل دست بردم و روی شانه‌ام قرار دادم و آن قدر زیر آفتاب داغ جنوب ماندم تا خوب اطراف آن کاغذ تیره شود و اثر دست بر شانه‌ام نقش ببندد!"

به‌هنگام ملی شدن صنعت نفت، جیکاک یا به‌قولی سید جیکاک با گشت‌وگذار میان عشایر بختیاری این شعار را به‌گوش بختیاری برای آنها طرح نمود: «تو که مهر علی من دلته/ نفت ملی سی چنته» «یعنی تو که مهر علی را در دل داری برای چه به‌دنبال ملی شدن نفت هستی؟».

نکته جالب اینکه جیکاک در کسوت و با لباس روحانیت با نفوذ دست به انحراف افکار عمومی و عوام فریبی زد و به این اشخاص ساده لوح و بی‌خبر از همه جا تلقین کرده بود که وطن مستی خاک بی ارزش است.

فتنه جیکاک زمانی اوج گرفت که برای مقابله با ملی شدن نفت به امام زمان (عج) متوسل گردید و خطاب به عشایر بختیاری اعلام کرد، که در ملاقاتی که با امام زمان در منطقه بختیاری داشت، امام از ایشان خواست تا به مردم اعلام کند هرکس از حضرت علی (علیه السلام) و خاندانش پیروی می‌کند، دست از ملی شدن نفت بردارد.

قریب به دو هفته پیش از اولتیماتوم ناصر قشقایی و طغیان جنوب (۲۹/۶/۲۵) مستر جیکاک به همراه «حشمت‌الدوله فرنود» مشاور قضایی شرکت نفت برای بازرسی تشکیلات محقر شرکت نفت شیراز که بیش از دو تلمبه در سراسر شهر ندارد، به شیراز آمد و پس از ملاقاتی که در باغ ارم با خسرو قشقایی نمود، غفلتا سر زیر آب کرده، ناپدید شد. مستر جیکاک از خوزستان تا شیراز را که تماماً منطقه عشایری است، ظرف چند روز طی کرد.

نقل می‌کنند که مستر جیکاک در سر راه ملاقاتی با خوانین حیات داوودی و تنگستانی و بویراحمدی و ممسنی داشته. و با خاتمه جنگ جهانی دوم، جیکاک به استخدام شرکت نفت ایران و انگلیس درآمد. می‌گویند حکومت واقعی مناطق نفت‌خیز در دست او بود. سال ۱۳۲۹ شمسی که موضوع ملی شدن نفت مطرح شد، جیکاک برای جلوگیری از ملی شدن صنعت نفت تمام تلاش خود را به کار برد تا بتواند؛

نهضت ملی شدن نفت را بی‌اثر و مضمحل کند. و سلطه استعمار انگلیس بر ایران و بویژه مناطق نفتی، همچنان استمرار داشته باشد.^۲

اقتناع

نیروهای نفوذی کارشان رخنه، تاثیر^۳ و شبکه‌سازی در داخل ملت است؛ به وسیله تطمیع یا تهدید. اگر این نفوذ نسبت به اشخاصی انجام بگیرد که این‌ها در سرنوشت کشور، سیاست کشور، آینده کشور تأثیری دارند، آرمان‌ها، ارزش‌ها، خواست‌ها و باورها تغییر پیدا خواهد کرد. شخص نفوذی همان چیزی را فکر می‌کند که دشمن فکر می‌کند... یعنی کاری کنند که شما همان چیزی را بخواهید در نتیجه، که او می‌خواهد. بنابراین خیال او آسوده است بدون اینکه لازم باشد مأمور عالی‌رتبه دشمن خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشود، شخص نفوذی برای او دارد کار می‌کند.

نفوذ امنیتی

نفوذ، انواع و اقسام عدیده‌ای دارد. یک گونه، نفوذ موردی است. معنایش این هست که فرض کنید شما یک دم و دستگاهی دارید، یک مسئولی هستید؛ یک نفر را با چهره‌ی معقول و منطقی، در مجموعه‌ی شما بفرستند؛ شما خیال کنید او دوست است درحالی که او دوست

۲. سایت: www.vatanemrooz.ir

۳. سایت: www.abadis.ir

نیست، تا او بتواند کار خودش را انجام بدهد. گاهی نفوذ، جاسوسی است که این کمترینش است. یعنی کم‌اهمیت‌ترینش جاسوسی است، خبرکشی و خبردهی است؛ و گاهی کارش بالاتر از جاسوسی است، تصمیم شما را عوض می‌کند. شما یک مدیری هستید، یک مسئولی هستید، تصمیم‌گیر هستید، میتوانید یک حرکت بزرگ یا مؤثری انجام بدهید، اگرچنانچه این حرکت را این‌جور انجام بدهید این به نفع دشمن است، او می‌آید کاری می‌کند که شما حرکت را این‌جور انجام بدهید؛ یعنی تصمیم‌سازی. در همه‌ی دستگاه‌ها سابقه هم دارد؛ فقط هم دستگاه‌های سیاسی نیست، دستگاه‌های روحانی و دینی و مانند اینها هم همیشه وجود داشته، که در واقعه سید جیکاک توضیح دادیم.

در بدو پیدایش اسلام، یهود هم برای دست یافتن به اطلاعات مسلمین، دو راهبرد در پیش گرفتند. ابتدا این که در محافل مسلمانان شرکت می‌کردند. بعد اطلاعات بدست آمده را در اختیار رهبران خود قرار می‌دادند، تا برای خنثی نمودن طرح‌های مسلمانان تدبیر اندیشه شود.^۴

یهود بنی قریظه پس از پیمان شکستن در اثنای جنگ احزاب، در حکم ستون پنجم دشمن عمل کردند. تغییر روش دادن و منافقانه عمل کردن یهود در این جنگ، باعث شد در مقابل این خیانت سنگین مورد بازخواست و مجازات از طرف مسلمین قرار گیرند. منافقان برای تحقق بخشیدن به نقشه‌های شوم خود، اجازه‌ی بنای مسجد را در میان قبیله‌ی بنی سالم و نزدیک مسجد قبا از پیامبر(صلوات الله علیه) دریافت کردند تا افراد ناتوان و بیمار در آن نماز بخوانند و این امر مصادف با عزیمت پیامبر(صلوات الله علیه) به جنگ تبوک بود و پس از بازگشت از جنگ تبوک، خداوند ایشان را از فتنه‌ی منافقان مطلع نمود و به دنبال آن دستور داده شد مسجد ضرار آتش زده شود و بقایای آن ویران گردد. در اولین نگاه، ساختن مسجد آن هم برای حمایت از بیماران و از کار افتادگان، هم یک خدمت دینی و هم یک خدمت انسانی به نظر می‌رسد، اما وقتی از چهره‌ی باطنی این عمل پرده برداشته می‌شود، توجه انسان را به این نکته جلب می‌کند که منافقین مسجد ضرار را به عنوان پایگاهی برای نفوذ امنیتی ساخته بودند و اهدافی را دنبال می‌کردند از جمله: تقویت مبانی کفر و بازگشت دادن مسلمانان به وضع قبل از اسلام، و ایجاد تفرقه در بین صفوف مسلمین که بدین ترتیب مسجد قبا هم از رونق می‌افتاد. و مسجد ضرار پایگاه خوبی برای جلسات شبانه‌ی منافقین علیه اسلام بود.

نفوذ اقتصادی

نفوذ اقتصادی به معنی تسلط بر ارکان اقتصادی یک جامعه است به طوری که مدیریت اقتصاد از جانب عنصر مسلط بر اقتصاد جامعه‌ی مقصد تحمیل شده و مدیریت این امور به دست جامعه‌ی نفوذ کننده باشد.^۵

سران یهود مدینه برای تأثیرگذاری بر مسلمانان، آنان را در تحریم‌های اقتصادی قرار می‌دادند تا از دین اسلام برگردند. در بحبوحه‌ی مهاجرت مهاجرین به مدینه و قرار گرفتن آن‌ها در فشار شدید مالی، پیامبر(صلوات الله علیه) شخصی را فرستاد تا از آن‌ها تقاضای وام نماید، ولی آن‌ها نه فقط کمکی نکردند، بلکه با زخم زبان‌های خود مأمور پیامبر(ص) را بدرقه نمودند و این عمل یهود برای بعضی از مسلمین سنگین تمام شد.^۶

برای زدن ضربه‌ی اقتصادی دیگر، برخی از یهودیان، قرض‌هایی که از مسلمانان گرفته بودند و همین‌طور وجه معاملات با آن‌ها را پرداخت نکردند و در این زمینه دیگران را نیز تشویق می‌کردند که به فقرای مسلمین کمک نکنند تا خودشان فقیر نشوند. از جمله راهکارهای شیطان بزرگ برای جلوگیری از یاری رساندن به مظلومان تهدید به تحریم‌های ظالمانه است. سالهاست که انقلاب اسلامی به دلیل دفاع از مظلومان و مستضعفان عالم، مورد حمله‌های بی‌امان استکبار و آمریکا و تحریم‌های ظالمانه آنها قرار گرفته است.

نفوذ فرهنگی

نفوذ فرهنگی در مرحله‌ی اول به معنی تغییر در ارزش‌ها، باورها و هنجارهای جامعه‌ی اسلامی است و در مرحله دوم، ناکارآمدسازی نظام اسلامی مورد توجه دشمن قرار می‌گیرد. بانفوذ و تسخیر در عرصه‌ی فرهنگ به مثابه‌ی زیر بنای ساختار جامعه، دیگر تغییرات و

۴. عفیف عبدالفتاح طیاره، اليهود فی قرآن، ص ۳۲

۵. گفتگو با دکتر عبدالحمید شیخی، اقتصاددان و استاد دانشگاه، پایگاه خبری تحلیلی برهان، کد خبر ۸۹۹۹

۶. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۶۰

دگرگونی‌ها در حوزه‌هایی چون سیاست و اقتصاد به آسانی صورت خواهد گرفت. در این حوزه دشمن سعی می‌کند باورهای جامعه را دگرگون کند و آن باورهایی را که توانسته این جامعه را سر پا نگه دارد، جابه‌جا کند، خدشه در آن‌ها وارد کند، اختلال و رخنه در آن‌ها بوجود آورد.

نفوذ فرهنگی لایه‌های متفاوتی دارد و مهم‌ترین نقطه‌ی رخنه در نفوذ فرهنگی، رخنه در باورهای دینی جامعه‌ی اسلامی است و وقتی باورها سست شد، به راحتی می‌شود آن جامعه را مورد سلطه قرار داد. باور انقلابی و باور دینی مورد هدف قرار گرفته و برای رسیدن به این هدف از هر دستاویزی از طرف دشمن استفاده می‌شود. شبهه‌پراکنی در مسائل اعتقادی، توسط یهود در جامعه‌ی نوپای اسلامی، باعث می‌شود برخی از ضعیف‌الایمان‌ها از اصول اساسی خود دست بردارند. یهود بنی نظیر به دلیل پیمان شکنی و قصد ترور پیغمبر(صلوات الله) مجازات شدند و از مدینه اخراج هم شدند. سران بنی نظیر که کینه‌ی اسلام را در دل داشتند، طرحی جامع جهت براندازی اسلام پی ریزی کردند،

یهود با وجود این که یقین داشت دین اسلام حق است، چنین قضاوتی نمود تا از این راه هم به مقاصد خود برسد و آیه ی ۵۱ سوره ی مبارکه ی نساء در این باره نازل شد.

اقدام یهود در جهت نفوذ فرهنگی، دستوراسلام آوردن صبح هنگام و کفر ورزیدن غروب هنگامشان بود. به این ترتیب که به برخی از یهودیان گفته شده بود، صبح هنگام به دین اسلام بگردند و غروب اظهار پشیمانی کرده و از دین اسلام برگردند. این قضیه باعث سست شدن ایمان برخی از مسلمانان می‌شد و با خود می‌اندیشیدند اشکال دین اسلام در چه بود که تازه مسلمانان یهودی، بیش از نیم روزی دوام نیاوردند و به دین خود برگشتند. آیه ی هفتاد و دو سوره ی مبارکه ی آل عمران در همین زمینه نازل شد و مسلمانان را متوجه مکر یهود کرد. یهود مدینه مصمم بودند از این راه به مسلمین خیانت کنند و بگویند اگر برای ایشان بطلان اسلام روشن نشده بود، هرگز آن را انکار نمی‌کردند و حالا که برگشته اند نشانه این است که اسلام دین واقعی نیست زیرا اهل کتاب آگاه به نشانه های نبوت هستند و اگر آن‌ها از اسلام برگردند، مسلمین نیز دچار تردید می‌شوند.^۷

نفوذ سیاسی

این نوع نفوذ، تردید افکنی در درستی باورهای اصیل است، ایجاد سوء تفاهم می‌کند و انجام تصمیمات سخت در برخورد با مشکلات را توهمی منطقی جلوه می‌دهد. در این روش، دشمن از شیوه‌ی تبلیغات استفاده می‌کند تا اذهان مسلمین را دچار تشویش کرده و راه تشخیص حق و باطل برای آن‌ها مبهم باشد.

شرکت در جهاد توأم با روحیه‌ی شهادت طلبی و ایثار، از باورهای خدشه ناپذیر مؤمنین بود و منافقان از همین زمینه برای تردید افکنی در باورهای ایشان استفاده می‌کردند. در ابتدای جنگ تبوک، که پیامبر(صلوات الله علیه) در حال آماده سازی نیروها برای شرکت در جهاد بود، یکی از رؤسای طایفه‌ی بنی سلمه به نام جد بن قیس که در صف منافقان بود، خدمت پیامبر(صلوات الله علیه) آمد و عرض کرد اگر اجازه دهی من در این جنگ شرکت نکنم زیرا علاقه‌ی شدیدی به زنان دارم مخصوصاً اگر چشمم به دختران رومی بیافتد، ممکن است دل از دست بدهم و شیدای آن‌ها شوم! اجازه‌ی عدم شرکت برای این فرد منافق صادر شد: وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَذْنُ لِي وَ لَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ.^۸ و برای رفع این تردید افکنی در باورهای مؤمنین، قرآن، عمل این منافق را مساوی با سقوط در فتنه دانست.

نفوذ منافقان

منافق کسی هست که از یک در وارد دین می‌شود، و از در دیگری خارج می‌شود. در واقع منافق کسی است که دین را ظاهراً پذیرفته و با پوشش دین می‌خواهد به آن ضربه بزند. نفاق نیز مانند ایمان دارای مراتب است. نفاق اخلاقی که صاحبش را وامی‌دارد تا ظاهر و باطنش در مقابل خداوند و بندگان، دو گونه باشد. اما آنچه در قرآن مکرر آمده و سوره‌ای هم با این نام نازل شده است، نفاق کفر است که مقصود

^۷ .المیزان ج ۳، ص ۲۹۶. جلال الدین سیوطی، تفسیر سیوطی، ج ۲

^۸ توبه، ۴۹

ما در این پژوهش هم، همین نفاق است. خطر این منافقان از خطر دشمنان صریح الّهجه بسیار بیشتر است به همین دلیل تعبیراتی را که قرآن مجید درباره‌ی منافقان دارد، شدیدتر از تعبیراتی است که در مورد دشمنان آشکار اسلام به کار برده است و پایین ترین درکات دوزخ نیز به آن‌ها اختصاص دارد. إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا. در این آیه برای روشن ساختن حال منافقانی که این دسته از مسلمانان غافل، طوق دوستی آنان را بر گردن می نهند، از این آیه به خوبی استفاده می شود که از نظر اسلام نفاق بدترین انواع کفر، و منافقان دورترین مردم از خدا هستند، و به همین دلیل جایگاه آن‌ها بدترین و پستترین نقطه دوزخ است. منافقین به دلیل دوچهره بودن، به راحتی می‌توانستند در میان مسلمانان نفوذ کنند. تفسیری که قرآن از این روش منافقان دارد این است که: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ^۹. بعضی از مردم هستند که می‌گویند به خدا و روز قیامت ایمان آوردیم، در حالی که ایمان ندارند. آن‌ها با نفوذ در صف مسلمانان، از هر فرصتی برای کارشکنی استفاده می‌کردند. گاهی در انجمن‌های سری خودتصمیم می‌گرفتند کمک‌های مالی خود را از یاران رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قطع کنند. هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِندَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا.... گاهی تصمیم می‌گرفتند پس از بازگشت از جنگ به مدینه، دست به دست هم دهند و با یک فرصت مناسب، مؤمنان را از مدینه بیرون کنند: يَقُولُونَ لئن رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ^{۱۰}. و زمانی هم به بهانه‌های مختلف، نظیر جمع‌آوری محصولات کشاورزی که از شرکت در جهاد خودداری می‌کردند.

^۹ بقره، ۸

^{۱۰} منافقون، ۷ و ۸. آنها کسانی هستند که می‌گویند: «به افرادی که نزد رسول خدا هستند انفاق نکنید تا پراکنده شوند!» آنها می‌گویند: «اگر به مدینه بازگردیم، عزیزان، ذلیلان را بیرون می‌کنند! در حالی که عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است ولی منافقان نمی‌دانند!»